تجربه هنرمندان از حضور داوطلبانه در جمعیت هلال احمر

آنجا که هنر هنرمندانه‌تر است

طرح نو| شماره زیادی از هنرمندان صاحبنام ایرانی، عضو داوطلب جمعیت هلال احمر هستند و شاید بیراه نباشد اگر بگوییم، جمعیت هلال احمر با وجود این هنرمندان، جمعیت تر است! «طرح نو» در صفحات ویژه امروز سراغ برخی از نامدارترین این هنرمندان محبوب ایرانی رفته تا از آنان یک سوال را بپرسد: «چرا داوطلب عضویت در هلال احمر شده‌اید؟» پاسخ‌های ایشان، به خوبی روشن می‌کند که هنرمندان برجسته ایرانی هم خوب می‌دانند که گویا تکمیل هنر، یاد رغلتیدن در عرصه فرهنگ داوطلبی و کمک و خدمت به همنوع میسر تر است. هنرمندانی که میراث‌خواران ادبا، شعرا و هنرپروران نامدار این ملک و مملکتند با عضویت داوطلبانه در جمعیت هلال احمر، به سایر هموطنان نشان داده‌اند کمتر بستن برای دیگران، در کنار زیاد بستن برای خود، مانند خلق اثر هنری است. نظرات این صاحبنامان ایرانی را بخوانید:

کمک کردن برای دلم

| عزت‌الله انتظامی | بازیگر |

از نظر من هلال‌احمر مهم‌ترین نهاد موجود در ایران است که داوطلبی را در جامعه ترویج می‌دهد. هلال‌احمری‌ها در بیشتر موارد اولین افرادی هستند که به حادثه‌دیدگان و دردمندان کمک می‌کنند. این مسأله از آن‌رو مهم است که خود در کنار کاهش رنج هموطنان آسیب‌دیده، بزرگترین فرهنگ‌سازی نیز به‌حساب می‌آید. از سوی دیگر، هلال‌احمر جایی است که می‌شود آدمی در آن بدون به نمایش گذاشتن خود، به دیگران کمک کند. این جاست که می‌توانید برای دل خودتان به سایرین کمک کنید و از هیچ‌کسی هم انتظار هیچ پاداشی نداشته باشید. بودن در کسوت داوطلب هلال‌احمر دقیقا شما را با همین حس مواجه می‌کند. خیلی از داوطلبان بدون آنکه حتی دیده شوند در سخت‌ترین حوادث اولین کسانی هستند که در محل حادثه حاضر می‌شوند.

رسیدن به یک آرزو

| داوود رشیدی | بازیگر |

یکی از بزرگترین آرزوهای من در طول تمام این سال‌ها که از زندگی‌ام می‌گذرد، موفقیت و سربلندی جوانان سرزمینمان بوده و هست. امروز این جوان‌ها با معضلات عدیده‌ای دست به گریبان هستند و سازمان هلال‌احمر از آن دست نهادهایی است که در مسیر رفع همین مسائل گام‌های مهم و اثرگذاری برداشته و برمی‌دارد. هلال‌احمر کاری می‌کند تا من هر روز به آرزویم یعنی رسیدن به کمک‌های سازمان‌یافته برای یکدیگر کاری بکنیم نزدیک‌تر شوم. من عضو این سازمان هستم تا به سهم خودم کاری انجام دهم. اساسا هیچ فردی از جامعه بشری نمی‌تواند در برابر رنج، ندارى یا گرسنگی انسان‌ها بی تفاوت باشد. از نظر من، همان‌طور که بی‌فرهنگی و ناآگاهی به سیه‌روزی انسان‌ها می‌انجامد، ناراحتی و درد و رنج هم چنین می‌کنند. بنابراین همه ما باید با حضور در چنین سازمان‌هایی و اقدام جهت رسیدن به کمک‌های سازمان‌یافته برای جوانان این سرزمین

بازخوانی

روسای جمعیت هلال احمر ایران از آغاز تاکنون

حسن خطیبی (۱۳۵۷-۱۳۲۷)

او در سال ۱۳۲۷ به‌عنوان مدیرعامل جمعیت شیر و خورشید سرخ انتخاب شد و تا سال ۱۳۵۷ در این سمت فعالیت داشت.

مرحوم کاظم سامی

در دولت موقت بعد از انقلاب اسلامی که مهندس مهدی بازرگان رئیس آن بود، وزیر بهداری بود و به‌عنوان نخستین رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران منصوب شد و تا اوایل سال ۱۳۵۹ این سمت را برعهده داشت.

علی بهزادنیا

در اوایل سال ۱۳۵۹ مسئولیت جمعیت هلال احمر را به‌عهده گرفت.

حسن فیروزآبادی

در سال ۱۳۶۰ با حکم شهید جایی رئیس هلال احمر شد و تا سال ۱۳۶۲ این سمت را به‌عهده داشت. او اکنون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است.

مرحوم سیف‌الله وحیددستجردی

پنجمین رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران بود که ۱۶ سال ریاست این سازمان را بر عهده داشت و در سال ۱۳۷۸ در گذشت.

احمدعلی نوربالا

روانپزشک است و از سال ۱۳۷۸ عهده‌دار این سمت بود. همزمان با آغاز ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد از هلال احمر استعفا داد.

مسعود خاتمی

در دوره اول ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، از سال ۸۴ تا ۸۹ رئیس جمعیت هلال احمر بود.

ابوالحسن فقیه

در دولت دهم محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران شد. وی پیش از این و در دولت نهم، رئیس سازمان بهزیستی کشور، مشاور محمود احمدی‌نژاد در شهرداری تهران، مسئول روابط عمومی سازمان پزشکی قانونی کشور و عضو نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها بوده است.

محمد فرهادی

فرهادی در کارنامه اجرایی خود علاوه بر وزیر بهداشت دولت خاتمی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ بوده است. وی مدتی نیز به‌عنوان رئیس دانشگاه تهران و قائم‌مقام جمعیت هلال احمر به فعالیت مشغول بوده است. همزمان با روی کار آمدن دولت یازدهم، او به‌عنوان رئیس جمعیت هلال احمر انتخاب شد اما پس از مدتی و در پی استیضاح رضا فرجی دلال، وزیر علوم سابق، از سوی مجلس به‌عنوان وزیر علوم، رأی اعتماد گرفت و به آن وزارتخانه رفت.

امیرمحسن ضیایی استرآبادی (دی ۱۳۹۳)

ضیایی آخرین رئیس جمعیت هلال احمر تا امروز است که کمتر از شش ماه از حضورش در این مسئولیت می‌گذرد. ضیایی از جمله پزشکانی است که ایده‌های تازه‌ای را با خود به هلال احمر آورده او از آن دست مدیرانی است که یکی از دغدغه‌های اصلی خود را بر توسعه فرهنگ هلال احمر و بنیان‌های فکری این جمعیت در سطح کشور قرار داده است.

حضور در خط مق

مهم‌ترین حوادث غیرمترقبه از اولین ساعات بروز این حوادث، در خط اول امدادونجا

طرح نو| «حوادث غیرمترقبه» که در فحوای کلام عموم جامعه از آن به «بلای طبیعی» یاد می‌شود، از جمله حوادثی است که به‌طور عمومی با خسارات مالی و جانی همراه است. این حوادث که در متن خود، عاملی به نام بحران را به همراه دارد، مدیریتی به همین نام را طلب می‌کند. مدیریت بحران در حوادث و بلایا، به برنامه‌ریزی مدون برای آمادگی و بسیج امکانات، نیازمند است تا در زمان حداقلی، بتواند کاهش اثرات تخریبی حوادث، کاهش مرگ‌ومیر و خسارات ناشی از حادثه را به دست دهد و عملیات امداد و نجات و احیا و دوباره‌فعال کردن برنامه‌های زندگی روزمره حادثه‌دیدگان را مدنظر داشته باشد. هلال احمر جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب در حوادث غیرمترقبه گوناگون که عمده آنها زلزله بوده به شهادت بسیاری از دست‌اندرکاران حضوری موفق داشته و کارنامه قابل قبولی از خود برجای گذاشته است تا جایی که اقدامات این جمعیت در امدادونجات حوادث غیرمترقبه با قدردانی مقام معظم رهبری مواجه شده و ایشان گفته‌اند: «از همه کسانی که در جمعیت هلال احمر مشغول کارهای تلاشگری و پشتیبانی و خدمت به مردم هستند، از یکایک آنها تشکر می‌کنم.» اهم حوادث غیرمترقبه پس از انقلاب اسلامی که با حضور نیروهای امدادی هلال احمر جمهوری اسلامی ایران همراه بوده به این شرح است.

۱ زلزله قائن: در سال ۱۳۵۸ قائن با شدت ۷/۱ ریشتر لرزید. در این زمین‌لرزه، ۱۳۰ نفر جان خود را از دست دادند و خسارات زیادی به مردم منطقه وارد شد.

۲ زلزله سیرچ: در ۶ مرداد ۱۳۶۰ سیرچ با شدت ۷/۴ ریشتر به لرزه درآمد. این زلزله شدیدترین زلزله کرمان و یکی از شدیدترین زلزله‌های ایران محسوب می‌شود که حدود یک‌هزار و ۳۰۰ نفر کشته، ۹۱۵ نفر زخمی، ۲۵ هزار نفر بی‌خانمان و ۸۵ درصد خانه‌ها به‌صورت کامل تخریب شدند. آخرین زلزله منطقه سیرچ ساعت ۲۳ و ۱۸ دقیقه و ۵۷ ثانیه دوشنبه دوم بهمن ماه ۱۳۹۱ به بزرگی ۵/۵ ریشتر در عمق ۱۰ کیلومتری و در فاصله ۲۲ کیلومتری سیرچ، ۲۴ کیلومتری شهداد، ۳۸ کیلومتری کرمان رخ داد.

۳ زلزله رودبار و منجیل: زلزله‌ای در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد پنجشنبه ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۹ با شدت ۷/۴ ریشتر در نزدیکی شهر رودبار و روستاهای تابعه در استان گیلان و شمال غرب استان زنجان در ناحیه طارم علیا رخ داد و تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری از مرکز زمین‌لرزه موجب خسارات جانی و مالی فراوان شد. این زمین‌لرزه در یک منطقه پرتراکم از نظر جمعیت اتفاق افتاد، به‌طوری که علاوه بر روستاهای موجود در منطقه چندین شهر مهم کشور نیز تحت تأثیر آن قرار گرفتند. کاتون زلزله مذکور را کارشناسان حدود ۱۹ کیلومتری از سطح زمین اعلام کردند و علاوه بر حدود ۳۵ هزار نفر که بر اثر این رویداد جان خود را از دست دادند، بیش از ۲۰۰ هزار واحد مسکونی تخریب شدند و خسارات عمده‌ای به تأسیسات و اماکن عمومی در استان‌های گیلان و زنجان که متاثر از این زمین‌لرزه بودند، وارد آمد و حدود ۵۰۰ هزار تن بی‌خانمان شدند.

۴ زلزله بیرجند- قائن: بیرجند(قائن) ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۶ ساعت ۱۲:۲۷ به وقت محلی زمین‌لرزه‌ای با شدت ۷/۳ ریشتر به‌وقوع پیوست. در این زمین‌لرزه یک هزار و ۵۶۷ نفر کشته، بیش از ۲ هزار و ۳۰۰ نفر مجروح و ۵۰ هزار نفر آواره شدند. ۱۵ هزار واحد مسکونی تخریب شد یا آسیب دید. سازمان زمین‌شناسی آمریکا زمین‌لرزه قائن را مرگبارترین زمین‌لرزه سال ۱۹۹۷ توصیف کرد. ۲۱۵ پس‌لرزه بر شدت خرابی‌ها افزود و بسیاری از بازماندگان را مجبور به ترک منطقه کرد.

۵ زلزله آوج: در اول تیر ۱۳۸۱ زلزله چنگوره آوج با بزرگای ۶٫۳ ریشتر در ساعت ۷:۲۸ بامداد به وقت محلی روستاهای چنگوره و آبدره از شهرستان آوج در استان قزوین را به لرزه درآورد. در اثر این رخداد دو روستای یاد شده کاملا تخریب شدند و خسارات عمده‌ای به شهر آوج وارد آمد. گسل چنگوره در ادامه غربی گسل زمین‌لرزه‌ای اپیک (پس از محدوده پهنه خورد شده آبگرم) که جنبابی‌اش زمین‌لرزه ۱۲۴۱ بویین‌زهرا- با بزرگای ۷٫۲ - را موجب